



## تأثیر رقابت استراتژیک ایالات متحده و چین بر نظم انتقالی خاورمیانه\*



خلیل قلیخانباغ\*\* - دکتر عنایت‌الله یزدانی\*\*\* - دکتر شهروز ابراهیمی\*\*\*\*

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

رقابت استراتژیک آمریکا و چین که از ابتدای دهه دوم هزاره جدید شکل جدی‌تری به خود گرفته است، باعث گردیده که ایالات متحده تمرکز اصلی خود را بر منطقه پاسیفیک قرار دهد. این رویکرد آمریکا باعث شده که خاورمیانه با بی‌نظمی چندلایه مواجه شده و دوران گذار طولانی مدت به ویژگی برجسته منطقه تبدیل شود. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش بررسی تأثیر رقابت استراتژیک چین و آمریکا بر نظم انتقالی منطقه خاورمیانه است. مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که رقابت چین و آمریکا چه تأثیری بر نظم انتقالی در منطقه خاورمیانه دارد؟ فرضیه اصلی این پژوهش این است که افزایش رقابت چین و آمریکا باعث گسترش منازعه و معمای امنیت و افزایش رقابت و سردرگمی استراتژیک چندلایه در منطقه شده و تنش‌ها را افزایش داده است. روش بکار رفته برای انجام این پژوهش، روش کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی بوده و برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده و تلاش شده تا به تحلیل منابع و آزمون فرضیه پرداخته شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد افزایش رقابت چین و آمریکا باعث گسترش معمای امنیت، شکل‌گیری الگوهای منازعه و رقابت و گسترش اتحادسازی و ائتلاف‌سازی در منطقه شده است و هر یک از قدرت‌های منطقه‌ای به دنبال حاکم نمودن نظم دلخواه خویش بر منطقه هستند. همچنین رقابت استراتژیک و سردرگمی استراتژیک به مشخصه بارز منطقه تبدیل شده و چشم‌انداز روشنی برای کاهش تنش‌ها و رقابت‌ها وجود ندارد.

### کلیدواژگان

ایالات متحده، چین، معمای امنیت، رقابت استراتژیک، سردرگمی استراتژیک، خاورمیانه.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل خلیل قلیخانباغ با راهنمایی دکتر عنایت‌الله یزدانی است.

\*\* دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

\*\*\* استاد روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. / نویسنده مسئول / ایمیل:

[eyazdan@ase.ui.ac.ir](mailto:eyazdan@ase.ui.ac.ir)

\*\*\*\* دانشیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

## مقدمه

پس از طی شدن دوران خوش‌بینی ایالات متحده در دهه ۱۹۹۰ و تحولات دهه آغازین هزاره جدید، دولتمردان آمریکایی به این نتیجه رسیدند که جمهوری خلق چین در آینده نزدیک توان به چالش کشیدن هژمونی آمریکا را دارد. بنابراین از ابتدای دهه دوم هزاره جدید واشنگتن مقابله با قدرت‌یابی چین را در دستور کار خود قرار داد. این رقابت استراتژیک بی‌گمان بر نظم منطقه خاورمیانه تأثیرهای بسیاری دارد. در طول دهه‌های گذشته منطقه از جهات گوناگونی برای واشنگتن دارای ارزش و اهمیت بوده است. حفظ موجودیت رژیم اسرائیل، دسترسی آزاد به نفت و انرژی منطقه، مقابله با مخالفین و رقبای آمریکا، جلوگیری از هژمون شدن قدرت‌های منطقه‌ای و تلاش برای ایجاد صلح بین اعراب و رژیم اسرائیل، از جمله ارزش‌هایی بوده که واشنگتن در منطقه به دنبال آنها بوده است. اما از ابتدای دهه دوم هزاره جدید به‌مرور این اندیشه در ذهن مقامات کشورهای منطقه شکل گرفت که خاورمیانه دیگر جایگاه گذشته را برای آمریکا ندارد و واشنگتن به طُرق گوناگون در پی کاهش حضور خود در منطقه و چرخش به سمت پاسیفیک است.

اوباما با امضای توافق هسته‌ای به دنبال کاهش تنش‌ها در منطقه بود و به مقامات سعودی برای پذیرش نقش ایران فشار وارد می‌کرد. ترامپ با پیگیری توافق «ابراهیم» همین مسیر را دنبال می‌کرد؛ و بایدن نیز با ایراد اولین نطق سالانه خود و تلاش برای جلوگیری از گسترش بحران به‌وجود آمده پس از عملیات طوفان‌الاقصی و حمله رژیم اسرائیل به باریکه غزه، ثابت کرد که سعی دارد تا آمریکا را درگیر بحران‌های بی‌پایان در خاورمیانه نکند. بنابراین سؤال اصلی این مقاله این است که رقابت استراتژیک چین و آمریکا چه تأثیری بر نظم انتقالی در منطقه خاورمیانه دارد؟ فرضیه اصلی این پژوهش این است که افزایش رقابت چین و آمریکا باعث گسترش معمای امنیت، شکل‌گیری رقابت و سردرگمی استراتژیک، افزایش اتحاد و ائتلاف‌سازی و افزایش نقش و بازیگری قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و ورود سایر بازیگران جهانی به منطقه شده است و تنش‌ها را در منطقه افزایش داده است. روش بکار رفته برای انجام این پژوهش، روش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده و برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده و تلاش شده تا به تحلیل منابع و آزمون فرضیه پرداخته شود.

## ۱- پیشینه پژوهش

در خصوص رقابت چین و آمریکا و یا تحولات منطقه، مقالات و کتبی به رشته تحریر درآمده‌اند که به مسائلی از قبیل گسترش حضور و نفوذ چین در خاورمیانه، کاهش حضور آمریکا در منطقه و تقابل ایران و عربستان پرداخته شده است و تأثیر رقابت استراتژیک چین و آمریکا بر نظم و امنیت در خاورمیانه مورد کنکاش دقیق قرار نگرفته است. در مقاله «دیپلماسی اقتصادی و راهبرد چین در تنظیم روابط با ایران و عربستان سعودی» (جمشیدی و یزدانشناس، ۱۴۰۱: ۱۲۶-۱۱۲)؛ (Jamshidi & Yazdanshenas, 2022: 112-126) به گسترش حضور چین در منطقه به‌عنوان ابزاری در راستای تغییر مناسبات امنیتی خاورمیانه در کوتاه‌مدت اشاره شده و نتیجه‌گیری کرده این

موضوع با واقعیت سیاست خارجی چین تطابق ندارد. افزایش نفوذ چین در خلیج فارس در چارچوب روابط آن با دو قدرت مهم منطقه‌ای، یعنی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

در مقاله «راهبرد اقتصادی چین در رقابت هژمونیک با آمریکا در خاورمیانه» (شرفخانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۱-۱۰۶)؛ (Sharafkhani et al., 2022: 71-106) با اشاره به اینکه نظم بین‌المللی تک‌قطبی هژمونیک که پس از پایان جنگ سرد شکل گرفت، اساساً رویکرد چین به خاورمیانه را شکل داد، آمده است: پکن حضور خود در منطقه خاورمیانه را از طریق برقراری روابط مشارکتی در سطوح مختلف پی‌ریزی نموده و این همکاری‌ها را در تعامل اقتصادی خود با کشورهای منطقه با مدنظر قرار دادن سه اصل برقراری ارتباط با همه کشورهای منطقه، جانبدارانه عمل نکردن در برابر رقبای منطقه‌ای و اجتناب از سیاست‌هایی که منافع آمریکا را در منطقه به چالش می‌کشد، افزایش داده است و ایالات متحده به دلایل گوناگونی انگیزه بیشتری برای اعمال روش‌های تهاجمی‌تر علیه چین دارد.

در مقاله «جدایی آمریکا چگونه خاورمیانه را شکل خواهد داد؟» (Carmelos, 2023) که در میدل ایست آی به رشته تحریر درآمده اشاره شده که دو دهه گذشته برای خاورمیانه فاجعه‌آمیز بوده است و دهه‌های آینده می‌توانند حتی نگران‌کننده‌تر باشند. جدایی ایالات متحده از منطقه، چه واقعی و چه تصور شده، با احساس خلأ قدرت ورودی که باید پر شود، اضطراب را گسترش می‌دهد. این نویسنده نتیجه می‌گیرد که تاکنون، تنها نهادی که به اندازه کافی سازماندهی شده و مصمم برای انجام این کار است، به نظر می‌رسد «محور مقاومت» است.

در مقاله «تأثیر رقابت چین و آمریکا در شرق آسیا بر امنیت منطقه آسیا و اقیانوسیه» (Diao, 2024) که در قالب مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی اجتماعی و مطالعات انسانی منتشر شده، اشاره شده منطقه آسیا و اقیانوسیه به مرکز ثقل بعدی ژئواستراتژیک جهانی تبدیل شده و ظهور چین نشان دهنده از بین رفتن نظم جهانی تک‌قطبی است. این نویسنده نتیجه می‌گیرد که سیاست قدرت‌های بزرگ مدت‌هاست که روابط بین‌الملل در آسیا و اقیانوسیه را شکل داده است و علی‌رغم استفاده از اهمیت دولت‌های کوچک و نهادهای منطقه‌ای در سیاست آسیای شرقی، قدرت‌های بزرگی مانند ایالات متحده، چین و ژاپن همچنان بر خط‌مشی این سیستم منطقه‌ای تسلط دارند و رقابت قدرت چین و آمریکا در منطقه پاسیفیک، روابط بین قدرت‌های شرق آسیا را پیچیده کرده است؛ زیرا بی‌اعتمادی و سوءظن به قدرت‌های خارجی همچنان در حافظه کشورهای منطقه وجود دارد که ریشه عمیقی در ادراکات تاریخی آنها دارد.

در مطالعات صورت گرفته به تأثیر متغیر مستقل یعنی «رقابت استراتژیک چین و آمریکا» بر متغیر تابع یعنی «نظم انتقالی خاورمیانه» به‌طور دقیق اشاره نشده است؛ بنابراین در نوآوری پژوهش پیش روی «رقابت استراتژیک چین و آمریکا» به‌عنوان متغیر مستقل و «نظم انتقالی در منطقه خاورمیانه» به‌عنوان متغیر تابع در نظر گرفته شده و تأثیر متغیر مستقل بر متغیر تابع مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲- چارچوب نظری

برای بررسی نظم انتقالی در خاورمیانه می‌توان از نظریه «موازنه تهدید» استفان والت که پیشگام نظریه نئورئالیسم تدافعی استفاده کرد. موازنه مفهومی قدیمی در نظریه واقع‌گرایی است که همه شاخه‌های واقع‌گرایی به آن پایبند بوده‌اند. با این حال، در شاخه‌های جدید واقع‌گرایی، موازنه صرفاً در مقابل «قدرت» یک کشور نیست، بلکه در دوگانه قدرت/تهدید، به تهدید نیز در ایجاد موازنه توجه جدی شده است. واقع‌گرایی تدافعی به همراه واقع‌گرایی تهاجمی دو شاخه واقع‌گرایی نئوکلاسیک را تشکیل می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۲۹)؛ (Moshirzadeh, 2015: 129). واقع‌گرایان نئوکلاسیک صرفاً به عوامل سطح نظام توجه ندارند، بلکه معتقد هستند که برداشتهای ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها نیز حائز اهمیت هستند (Dehghani Firoozabadi and Zare Ashkezari, 2016: 96-97). والت بر این اعتقاد است که کشورها نه بر اساس اصل توازن قوا، بلکه بر اساس توازن تهدید عمل می‌کنند. یعنی آنها نه در برابر قدرت، بلکه در برابر تهدید دست به توازن می‌زنند. به عبارت دیگر دولت‌ها در برابر دولتهایی که موجودیت یا منافع آنها را تهدید می‌کنند، دست به موازنه می‌زنند (مشیرزاده: ۱۳۹۴: ۱۳۵)؛ (Moshirzadeh, 2015: 135).

تهدید به نوبه خود با ترکیبی از سه متغیر کلیدی ایجاد می‌شود: توانایی‌های تجمیعی، (مجموع توان بالقوه نظامی و اقتصادی یک دولت)، جغرافیا و تصوراتی از نیت‌های تهاجمی. اگر دولتی قدرتمند شود و موقعیت و رفتار آن موجب تصوراتی تهدیدآمیز در دولت‌های دیگر شود، راهبردهای موازنه بر سیاست خارجی آنها حاکم خواهد شد (اسمیت، هدفیلد و دان، ۱۳۹۵: ۷۶)؛ (Smith, Hedfield and Tunn, 2016: 76). موارد یاد شده به مثابه متغیرهای مستقلی انگاشته می‌شوند که تغییر در هر یک، دیگر دولت‌ها را به احتمال فراوان به احساس تهدید و اتخاذ اقدامات موازنه‌ای می‌کشاند. والت پتانسیل تهدیدزایی را با فاصله جغرافیایی در رابطه‌ای معکوس می‌داند. دولت‌های مجاور قادر به ایجاد تهدیدات بزرگ‌تری هستند (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴)؛ (Little, 2010: 34). بر پایه فرضیه تهدید خارجی ظهور یک قدرت تهدیدکننده خارجی که توازن قدرت در سطح بین‌المللی و یا منطقه‌ای را به ضرر دیگر کشورها بر هم زند موجب همگرایی و همکاری آنها می‌شود. از این رو کشورهای منطقه بر اساس تحلیل هزینه فایده برای تأمین امنیت و بقای خود در مواجهه با تهدید مشترک، همگرایی و همکاری با یکدیگر را سودمندتر از یکجانبه‌گرایی تشخیص می‌دهند. در حقیقت تهدید مشترک هر دو مانع بر سر راه همگرایی منطقه یعنی «فریبکاری» و «سود نسبی» را بی‌اثر می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۸)؛ (Dehghani Firoozabadi, 2014: 108). از نظر مرشایمر، اتحادها واکنشی تقابلی گرایانه به رفتار تهاجمی دولت‌های دیگر به منظور

1. Balance of Threat

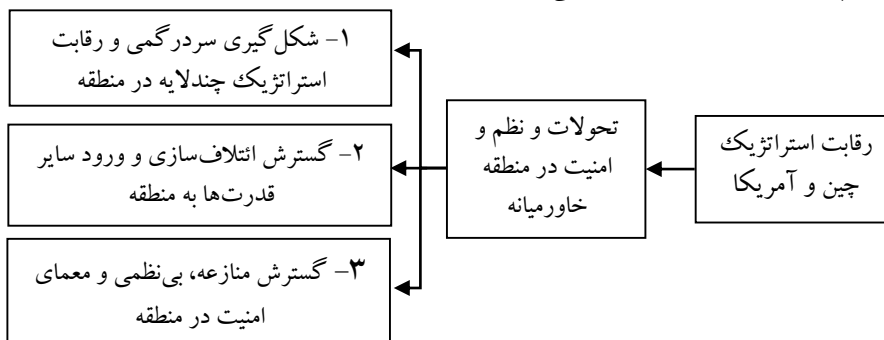
2. Stephen M. Walt

3. Aggregate Capabilities

4. Perceptions of Aggressive Intentions

بیشینه‌سازی قدرت و دفع تهدید است. در چنین شرایطی، دولت‌ها نیازمند انتخاب بین «دنباله‌روی» یا «موازنه‌سازی» علیه آن هستند. استدلال اصلی والت بر این فرضیه استوار است که آنارشی بین‌المللی، دولت‌های خاورمیانه را مقید کرده تا به منظور حفظ امنیت همواره به دنبال موازنه‌سازی در برابر یکدیگر باشند. شاید یکی از ویژگی‌های برجسته نظریه والت، در نظر گرفتن مفهوم متفاوت دولت‌های منطقه از امنیت و تهدید در فرآیند اتحاد سازی باشد. در رابطه با دلیل عدم پایداری اتحادها در خاورمیانه، اسنایدر با بهره‌گیری از مفروضه‌های واقع‌گرایی «معمای امنیت» معتقد است که به دلیل فقدان اطلاعات کافی از نیت سایر متحدان، دولت‌ها علاوه بر تهدیدهای بلوک متخاصم، از نیت و رفتار متحدان خود نیز برداشت تهدید دارند و از این رو، وضعیت تنگنای امنیتی در داخل اتحادها مانع از پایداری آنها می‌شود (Snyder, 1997: 480).

بر اساس نظریه موازنه تهدید، تأثیر رقابت استراتژیک چین و آمریکا بر نظم انتقالی در خاورمیانه تبیین شده است. کشورهای منطقه به علل نزدیکی جغرافیایی و سوءبرداشت‌ها از رفتار تهاجمی یکدیگر و به منظور حفظ امنیت خود دائماً در حال اتحاد و ائتلاف‌سازی با دیگر کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ جهانی هستند تا بتوانند خلأ به وجود آمده از کاهش حضور آمریکا در منطقه را پر کنند. در این وضعیت توانایی‌های تجمعی، نزدیکی جغرافیایی و نیت تهاجمی، نقشی بارز در رقابت پیچیده کشورهای منطقه ایفا می‌کنند.



شکل ۱. الگوی مفهومی مقاله

Figure 1. Conceptual Model of the Article

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۲)؛ (Authors, 2024)

### ۳- تاریخچه نظم در منطقه خاورمیانه در دوران معاصر

خاورمیانه پس از جنگ جهانی دوم چندین مرحله از نظم را پشت سر گذاشته است. مرحله اول تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می‌شود. در این مرحله کشورهای منطقه به دو دسته طرفداران بلوک غرب و طرفداران بلوک شرق تقسیم می‌شدند و موازنه قوا رویکرد غالب کشورهای مذکور و قدرت‌های جهانی بود و قدرت‌های بزرگ اجازه هژمون منطقه‌ای به

<sup>۱</sup>. Bandwagoning

قدرت‌های منطقه‌ای را نمی‌دادند. مرحله دوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی را در برمی‌گیرد. در این مرحله نظم منطقه‌ای دچار دگردیسی عظیمی شد و به‌مرور دو بلوک کشورهای محافظه‌کار و تجدیدنظرطلب در منطقه شکل گرفت. شکل‌گیری بهار عربی بار دیگر نظم را در منطقه دچار تغییر و تحول کرد و بی‌نظمی بر منطقه حاکم شد. امریوسف در این خصوص می‌نویسد: «خاورمیانه پس از بهار عربی به‌عنوان دنیای هابزی - جنگ همه علیه همه - یا حداقل به‌عنوان منطقه‌ای از ائتلاف‌های سیال که با تغییر و شکنندگی دائمی مشخص می‌شود، به تصویر کشیده می‌شود. به‌طور خلاصه هر نسخه‌ای از منطقه که توازن قوای قابل اجرا پیدا کند سراب است: نظم جدید اساساً بی‌نظمی است» (Yossef, 2020: 61).

کاهش حضور آمریکا در منطقه و شیفت این کشور به منطقه پاسیفیک برای موازنه چین، مرحله چهارم تنش و بی‌نظمی را در منطقه به تصویر کشیده و اساساً قدرت‌های منطقه‌ای هر یک به دنبال حاکم نمودن نظم دلخواه خویش بر منطقه هستند. مارکو کارنلوس<sup>۱</sup>، سفیر اسبق ایتالیا در سازمان ملل و عراق می‌نویسد: «جدایی ایالات متحده از منطقه، چه واقعی و چه تصور شده، در حال گسترش این نگرانی است که خلأ قدرت به وجود آمده چگونه پر می‌شود. تاکنون، تنها نهادی که به‌اندازه کافی سازماندهی شده و مصمم برای انجام این کار است، به نظر می‌رسد محور مقاومت باشد: ایران و متحدان منطقه‌ای آن، از جمله سوریه، حزب الله لبنان، حوثی‌های یمن و شبه‌نظامیان شیعه در عراق» (Carnelos, 2021). بنابراین نظم منطقه‌ای خاورمیانه در نتیجه پاسیفیک‌گرایی و اشنگن در آستانه باز تعریف جدیدی قرار دارد و تنش و بی‌نظمی در منطقه به‌شدت افزایش یافته است و اتحادسازی و ائتلاف‌سازی گسترش یافته است.

#### ۴- نظم انتقالی در منطقه پس از رقابت استراتژیک چین و آمریکا

##### ۴-۱- شکل‌گیری سردرگمی و رقابت استراتژیک چندلایه در منطقه

سردرگمی استراتژیک در منطقه از یک سو بین رقبای منطقه‌ای شکل گرفته است، به گونه‌ای که با طولانی شدن نظم انتقالی منطقه‌ای روابط قدرت‌های بزرگ منطقه از قبیل ایران، عربستان سعودی و رژیم اسرائیل با فراز و فرودهای فراوانی همراه شده است؛ و از سوی دیگر متحدان منطقه‌ای آمریکا نیز در نحوه و میزان رابطه با آمریکا دچار سردرگمی شده‌اند و در برزخ چرخش به غرب و شرق قرار دارند که در ادامه مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

##### ۴-۱-۱- افزایش سردرگمی استراتژیک در بین رقبا و دشمنان منطقه‌ای

منطقه خاورمیانه که دهه‌ها بر اساس موازنه قوا اداره می‌شده و قطب‌های قدرت جهانی اجازه هژمون شدن به هیچ یک از قدرت‌های منطقه‌ای را نداده‌اند، در هزاره جدید بیش از هر دوران دیگری دچار آشفتگی، سردرگمی و بی‌نظمی شده است. رقابت استراتژیک چین و آمریکا یکی از مهم‌ترین عوامل و مؤلفه‌های سردرگمی استراتژیک در منطقه است. زیرا قدرت‌های منطقه‌ای با

<sup>۱</sup>. Marco Carnelos

برداشت‌ها<sup>۱</sup> و سوء برداشت‌های<sup>۲</sup> متفاوت و متناقضی که در خصوص رویکرد جدید آمریکا به خاورمیانه دارند، و با تصور واقعی و یا خیالی کاهش حضور آمریکا در منطقه، به دنبال پُر نمودن خلأ قدرت به وجود آمده در منطقه هستند که باعث افزایش منازعات منطقه‌ای شده است. رقابت چین و آمریکا با سه تأثیر مستقیم باعث افزایش سردرگمی استراتژیک در منطقه شده است.

اولاً، قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای از قبیل ایران، رژیم اسرائیل و عربستان به دنبال جایگزین کردن نظم دلخواه خویش و هژمون شدن منطقه‌ای پس از کاهش حضور واشنگتن در منطقه هستند. این رویکرد باعث افزایش تنش، درگیری و شکل‌گیری منازعه و رقابت‌های طولانی در منطقه شده است.

ثانیاً، قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای برای غلبه بر رقبای، به دنبال گسترش اتحادسازی و ائتلاف‌سازی‌های چندلایه در منطقه هستند و این موضوع باعث افزایش سردرگمی استراتژیک بیشتر در منطقه شده است. زیرا نوع نگاه قطب‌های قدرت به نظم انتقالی منطقه و روابط با قدرت‌های فرامنطقه‌ای باعث افزایش بلوک‌های متعدد قدرت در منطقه شده است. ماهیت چندقطبی درگیری‌ها در خاورمیانه دست‌یابی به هر راه‌حلی را چالش برانگیزتر می‌کند. اگرچه بازیگران خارجی و منطقه‌ای رقیب برنامه‌های خود را برای نظم منطقه‌ای جدید پیش می‌برند، اما هیچ‌یک از آنها پیروز نشده است. به نظر می‌رسد منازعه رقابت قدرت در سال‌های آینده نیز ادامه یابد. هیچ مدل امنیتی همکاری موفق‌تری که در آن دولت‌ها برای مدیریت چالش‌های منطقه‌ای از طریق رضایت، هنجارها و کدهای رفتاری تلاش می‌کنند، در منطقه اجرا نشده است. پال سالم<sup>۳</sup> در این خصوص می‌گوید: «وقایع چند سال گذشته نظم ناپایدار قدیمی خاورمیانه را بدون جایگزینی آن با نظم جدیدی از بین برده است» (Vakil and Quilliam, 2021).

ثالثاً، رقابت چین و آمریکا، با کمبود همکاری و ارتباط بین قدرت‌های منطقه‌ای، تلاقی یافته و باعث تشدید سردرگمی استراتژیک و افزایش تنش و درگیری در منطقه شده است. راس هریسون<sup>۴</sup> با بیان اینکه همکاری بین دولت‌ها از بسیاری جهات یک پدیده غیرطبیعی است، حتی زمانی که آنها دارای منافع مشترک باشند؛ می‌نویسد: «این امر به‌ویژه در سیستم‌های منطقه‌ای هرج‌ومرج مانند خاورمیانه صادق است؛ جایی که منافع مشترک در یک منطقه صلح‌آمیز پُر جنب‌وجوش برای تشویق دولت‌ها برای همکاری کافی نیست.» وی در ادامه بیان می‌کند: «در این منطقه پر از درگیری، برای دولت‌ها بیشتر غریزی است که در یک حالت تدافعی دائمی در برابر تهدیدات واقعی و محسوس دشمنان قرار بگیرند تا اینکه همکاری کنند» (Harrison, 2021: 13).

درنهایت می‌توان بیان داشت اول اینکه، نظم خاورمیانه در نتیجه رقابت استراتژیک چین و آمریکا در آستانه باز تعریف جدیدی قرار دارد و سردرگمی استراتژیک تشدید شده و رقابت

<sup>1</sup>. Perception

<sup>2</sup>. Mis Perception

<sup>3</sup>. Paul Salem

<sup>4</sup>. Ross Harrison

سخت بین برخی قدرت‌های منطقه‌ای از قبیل ایران و رژیم اسرائیل وارد منازعه و درگیری مستقیم نظامی شده است. در این سردرگمی استراتژیک شکل گرفته اساساً اتحادها و ائتلاف‌ها ناپایدار، موقتی و منفعت‌طلبانه خواهند بود و بازیگران فروملی به عرصه رقابت‌های ملی ورود پیدا کرده و به بازیگرانی تأثیرگذار تبدیل شده‌اند. دوم اینکه، گرچه با میانجیگری چین، ایران و عربستان، پس از هفت سال، مجدداً اقدام به برقراری ارتباط دیپلماتیک نموده‌اند، اما به دلایل گوناگونی بعید است این مسئله در طولانی مدت باعث کاهش تنش‌ها در خاورمیانه شده و نظمی فراگیر و پایدار در منطقه برپا شود؛ زیرا علاوه بر ساختارهای سیاسی و مذهبی ناهمگون، دو کشور دارای اقتصادی مشابه و نه مکمل هستند که این موضوع باعث افزایش رقابت برای پیدا کردن بازار فروش خواهد شد. و در نهایت عربستان در صف برقراری رابطه با رژیم اسرائیل قرار دارد که این موضوع اصلاً خوشایند تهران نیست. همچنین به نظر می‌رسد ریاض برای تأثیرگذاری بر انتخابات ایالات متحده در نوامبر ۲۰۲۴ و شکست دموکرات‌ها و همچنین مصون ماندن از هرگونه درگیری گسترده نظامی بین تهران و تل‌آویو سعی در کاهش تنش با ایران را داشته و از میانجیگری چین استقبال نموده است.

#### ۴-۱-۲- گسترش رقابت استراتژیک چندلایه در منطقه

منطقه خاورمیانه همچون نظام بین‌الملل دوران گذار خویش را طی می‌کند؛ زیرا خاورمیانه همچون دیگر مناطق جهان تابعی از تحولات ساختاری در سطح نظام بین‌الملل است. والت پتانسیل تهدیدزایی را با فاصله جغرافیایی در رابطه‌ای معکوس می‌داند و بر این عقیده است که دولت‌های مجاور قادر به ایجاد تهدیدات بزرگ‌تری هستند (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۴)؛ (Little, 2010: 34) طولانی شدن دوران گذار و نظم انتقالی خاورمیانه با دوران گذار نظام بین‌الملل و رقابت استراتژیک چین و آمریکا تلاقی یافته و باعث شکل‌گیری رقابت استراتژیک چندلایه در منطقه شده است. این رقابت از یک سو بین قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای شکل گرفته و از سوی دیگر باعث ورود سایر بازیگران فرامنطقه‌ای و فروملی به رقابت و درگیری بین قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای شده است. نصر بر این عقیده است که کناره‌گیری ایالات متحده تهدیدی برای ایجاد یک خلأ سیاسی است که با رقابت‌های فرقه‌ای پر می‌شود و راه را برای منطقه‌ای خشن تر و بی‌ثبات تر هموار می‌کند (Nasr, 2022)، زیرا این کناره‌گیری باعث شکل‌گیری رقابت‌های چندلایه، بازیگری بازیگران فروملی و افزایش تنش‌ها در منطقه شده است.

مارکو کارنلوس در خصوص افزایش رقابت و درگیری در منطقه می‌نویسد: «با طولانی شدن درگیری اسرائیل با فلسطینی‌ها، خطر اشتباه محاسباتی و تشدید بیشتر منازعه در منطقه افزایش یافته و یک ترس عمده در مورد درگیری‌های جاری در غزه و گسترش احتمالی دامنه آن در کل منطقه شکل گرفته است». در ادامه این مطلب آمده است: «درحالی که بخش عمده نگاه‌ها معطوف به جبهه شمالی اسرائیل و خطر درگیری دوم با حزب‌الله لبنان بوده، انصارالله یمن که تسلیحات کمتری دارد و در میان دیگر گروه‌های جنبش مقاومت ضعیف‌ترین قلمداد می‌شد شگفتی‌ساز بزرگ پایان سال ۲۰۲۳ میلادی بود و به حمایت از فلسطین کشتی‌های عازم اسرائیل و وابسته به آن را مورد هدف

قرار داد» (Carnelos, 2024). بنابراین ورود بازیگران فراملی و نقش آفرینی آنها در منازعات منطقه‌ای باعث افزایش تنش و رقابت استراتژیک چندلایه در بین قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای شده است. گرگ کارلستورم<sup>۱</sup> با اشاره به اینکه منطقه در یک دوره فطرت قرار دارد، می‌نویسد: «خاورمیانه در حال حاضر یک منطقه بدون قطب است و هیچ قدرتی بر امور مسلط نیست و ایالات متحده یک هژمون بی‌علاقه و غیر مؤثر در منطقه است» (Carlstrom, 2024).

در مجموع به چند دلیل رقابت‌های منطقه‌ای پس از رقابت استراتژیک چین و آمریکا گسترش یافته است. اول اینکه، تعداد بازیگرانی که به دنبال هژمون شدن و ایفای نقش برتر در منطقه هستند، گسترش یافته است. اگر زمانی سیاست ترکیه گرایش بیشتر به سمت اروپا و تنش صفر با همسایگان بود، آنکارا در هزاره جدید به دنبال افزایش نقش آفرینی در منطقه است و سعی دارد تا اتحاد اخوانی را تشکیل دهد. عربستان نیز که همواره به‌عنوان بازیگر ثانویه بوده و نقش همکار هژمون را در منطقه بازی می‌کرده است، امروزه می‌خواهد به‌عنوان بازیگر هژمون در منطقه ایفای نقش نماید. همچنین وجود دیگر بازیگران قدرتمند از قبیل جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل باعث گردیده‌اند که رقابت‌های چندلایه شکل بگیرد. دوم اینکه، با کاهش نقش آفرینی آمریکا در منطقه، قدرت‌های فرامنطقه‌ای، منطقه‌ای و فراملی برای پر کردن خلأ امنیتی به‌وجود آمده در پی اتحادسازی و ائتلاف‌سازی برآمده و در پی تخریب اتحادهای رقیب هستند که این موضوع باعث افزایش رقابت‌های چندلایه شده است. و سوم اینکه، قدرت‌های فراملی و گروه‌های مقاومت در منطقه با افزایش نقش بازیگری خود به بازیگرانی تأثیرگذار تبدیل شده و نظم انتقالی منطقه‌ای را دچار تحولی بنیادین کرده‌اند و منطقه وارد دوره بلا تکلیفی و سرگردانی طولانی مدت شده است.

#### ۴-۱-۳- کاهش اعتماد متحدان منطقه‌ای آمریکا به واشنگتن

کاهش اعتماد متحدان منطقه‌ای آمریکا به واشنگتن که از دوران اوپاما شروع شده، باعث سردرگمی استراتژیک در روابط اعراب و آمریکا و تسری این سردرگمی به منطقه شده است. در دوران اوپاما احساس «رها شدن» توسط آمریکا در ذهن برخی حاکمان کشورهای منطقه به‌وجود آمد. برای بسیاری از ناظران در پایتخت‌های شورای همکاری خلیج فارس، احساس عدم درک آنها از سیاست ایالات متحده در طول دولت اوپاما در عبارت «شیفت به منطقه پاسیفیک» گنجانده شده بود. ۲۷ نفر از شخصیت‌های منطقه‌ای به‌شدت به مصاحبه مارس ۲۰۱۶ اوپاما با نشریه آتلانتیک واکنش نشان دادند که در طی آن اوپاما گفته بود: «سواران مجانی مرا آزار می‌دهند» (Ulrichsen, 2020).

کاهش اعتماد به آمریکا در دوران دونالد ترامپ نیز ادامه یافت. گرچه ترامپ با پیگیری توافق «ابراهیم»، پیگیری سیاست فشار حداکثری علیه ایران و سفر به منطقه و بستن قراردادهای تسلیحاتی کلان، از سلف خود برای جلب اعتماد متحدان منطقه‌ای بهتر عمل کرد، اما تلاش وی برای درگیر نشدن با تهران پس از حمله به تأسیسات نفتی در سپتامبر ۲۰۱۹، اعراب را به این نتیجه رساند که دولت ترامپ نیز حاضر نیست برای دفاع از اعراب با ایران وارد درگیری نظامی بشود. استیون کوک در این خصوص می‌نویسد: «به نظر می‌رسد آمریکا و دوستانش در منطقه به نقطه‌ای رسیده‌اند که

<sup>۱</sup>. Gregg Carlstrom

دیگر منافعشان با یکدیگر همسو نیست». در ادامه این مطلب آمده: «دوستان واشنگتن در خاورمیانه بدون شک خواهان تضمین‌های امنیتی و تسلیحات فراوان ایالات متحده هستند. با این حال، ترکیب دو دهه شکست در منطقه، تمایل آشکار آمریکا به عدم تأکید بر منطقه و رفتن به سمت آسیا، و ناکارآمدی مداوم سیاسی داخلی ایالات متحده، سوالاتی را در میان قدرتمندان منطقه در مورد تعهد واشنگتن به ثبات و امنیت آنها ایجاد می‌کند» (Cook, 2022).

مارتین ایندیک، استدلال می‌کند که ایالات متحده در حال عقب‌نشینی از منطقه است و همه شرکای عرب سنی واشنگتن، اکنون برای محافظت از خود و ایجاد ثبات در منطقه در دورانی که آمریکا دیگر بر آنجا مسلط نیست، اقدام می‌کنند (Friedman, 2021). بنابراین رهبران عرب خلیج فارس بر این عقیده‌اند که ایالات متحده در حال خروج از منطقه است و گرچه در تاکتیک‌ها ممکن است بین دموکرات‌ها و جمهوری خواهان تفاوت باشد، اما کاهش حضور در منطقه و سعی در پرهیز از هرگونه درگیری نظامی، ارکان اصلی سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا را تشکیل می‌دهد. کاهش اعتماد متحدان منطقه‌ای آمریکا به ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری بایدن نیز ادامه یافته است. بایدن در اولین نطق سالانه خود به‌جز اشاره‌ای که به جنگ یمن داشت، هیچ اشاره‌ای به خاورمیانه نکرد و قریب یک سال و نیم بعد از به قدرت رسیدن به منطقه و عربستان سعودی سفر کرد که این سفر با استقبال گرم سعودی‌ها روبرو نشد. همچنین نوع واکنش مقامات آمریکایی به تحولات سرزمین‌های اشغالی و حمله تل‌آویو به باریکه غزه در اکتبر ۲۰۲۳ و تلاش برای جلوگیری از گسترش جنگ، حکایت از این موضوع دارد که ایالات متحده سعی دارد وارد معرکه و درگیری جدیدی در خاورمیانه نشود.

آمریکا در راهبرد کلان خویش در یک دهه اخیر همواره سعی داشته تا خود را از بحران‌های منطقه خاورمیانه دور نگه دارد و مسئولیت بحران‌ها و تحولات منطقه‌ای را به کشورهای منطقه واگذار نماید. آغاز روابط دیپلماتیک تهران و ریاض از آثار و پیامدهای کاهش اعتماد اعراب منطقه به آمریکا بوده است. رقابت چین و آمریکا از یک سو کاهش بی‌اعتمادی متحدان منطقه‌ای این کشور را در پی داشته است؛ و از سوی دیگر باعث گردیده که آنها خود در پی موازنه رقبای منطقه‌ای باشند که باعث افزایش رقابت قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و افزایش سردرگمی استراتژیک در منطقه شده است.

#### ۴-۲- گسترش ائتلاف‌سازی و ورود سایر قدرت‌ها به منطقه

رقابت استراتژیک آمریکا و چین باعث گسترش ائتلاف‌سازی منطقه‌ای برای مقابله با رقبای دشمنان شده است. این رقابت استراتژیک باعث چرخش اکثر کشورهای عربی به سمت تل‌آویو شده و ورود سایر قدرت‌های بزرگ جهانی به خاورمیانه را در پی داشته است که در ادامه مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

#### ۴-۲-۱- چرخش اکثر کشورهای عربی به سمت رژیم اسرائیل

رقابت استراتژیک چین و آمریکا باعث گردیده که واشنگتن تلاش نماید تا نه تنها از تنش‌های بین اعراب و رژیم اسرائیل بکاهد، بلکه کشورهای عربی را به امضای توافق صلح با تل‌آویو سوق داده

و اعراب به سمت اتحاد و ائتلاف برای مقابله با دشمن مشترک یعنی تهران و متحدین منطقه‌ای این کشور حرکت کنند. والت در خصوص حمله آمریکا به عراق و تغییر موازنه قدرت در خاورمیانه می‌نویسد: «متأسفانه آنچه آمریکا به دست آورد یک باتلاق پرهزینه در عراق و بهبود چشمگیر موقعیت استراتژیک ایران بود. این تغییر توازن قوا در خلیج فارس، عربستان سعودی و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس را نگران کرد و تصور تهدید مشترک از سوی ایران به شکل‌های مهمی روابط منطقه‌ای را تغییر داد، از جمله با تغییر روابط برخی کشورهای عربی با اسرائیل» (Walt, 2023).

ولی نصر می‌نویسد: «توافق صلح ابراهیم نشان داد اعراب برای حفظ موقعیت کنونی خود، همه این چیزها را نادیده می‌گیرند. آنها می‌خواهند با اتحاد با اسرائیل علیه ایران و ترکیه، خطرات و تهدیدات احتمالی ناشی از کاهش نیروهای آمریکا در منطقه را جبران کنند. اسرائیل برای آنها اهمی است که با تکیه بر آن می‌توانند در رقابت بزرگی که بر سر کسب نفوذ و قدرت در منطقه وجود دارد، باقی بمانند» (Nasr, 2021). مارتین ایندیک در زمانی که جرد کوشنر و جیسون گرینبلات به دنبال عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل بودند، می‌نویسد: «ترامپ برای پیشبرد برنامه‌های خود در خاورمیانه و عقب‌نشینی نظامی از این منطقه به اتحاد ریاض و تل‌آویو نیاز دارد.» در ادامه این مطلب آمده است: «ایالات متحده مسئولیت برخورد با ایران را به اسرائیل و عربستان می‌سپارد و امکان ایجاد اتحادی تاکتیکی با جهان عرب سنی را برای اسرائیل فراهم می‌آورد» (Indyk, 2019).

ترامپ رژیم اسرائیل و کشورهای کلیدی سنی عرب را وادار کرد تا کمتر به آمریکا اتکا کنند و به این فکر کنند که چگونه باید در مورد تهدیدهای جدید -مانند ایران- به‌جای جنگ بر سر اهداف قدیمی -مانند فلسطین- با یکدیگر همکاری کنند. تلاش اعراب برای چرخش به سمت تل‌آویو حتی پس از حمله گسترده این رژیم به باریکه غزه نیز ادامه دارد و اعراب منطقه حماس را مقصر حل و فصل نشدن بحران خاورمیانه می‌دانند. پس از آنکه رژیم اسرائیل به شکلی محدود به حمله ایران پاسخ داد، دیوید ایگناتیوس می‌نویسد: «اسرائیل مانند رهبر یک ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران عمل کرد. اسرائیل با واکنشی محدود ظاهراً در حال بررسی منافع متحدان خود در این ائتلاف یعنی عربستان، امارات و اردن بوده که همگی کمک‌های بی‌سر و صدایی در جریان حمله ایران به اسرائیل کرده بودند.» به نظر این تحلیلگر مسائل منطقه، این اقدام نشان از یک «تغییر پارادایم برای رژیم اسرائیل» دارد که «شکل جدیدی» به خاورمیانه خواهد بخشید (Dassa Kaye and Vakili, 2024). بنابراین تمایل مشترک برای عقب‌راندن نفوذ ایران در منطقه منجر به همگرایی منافع بین کشورهای خلیج فارس و رژیم اسرائیل و افزایش چشم‌انداز هماهنگی امنیتی نزدیک‌تر بین آنها شده است.

<sup>1</sup> Jared Kushner

<sup>2</sup> Jason Greenblatt

<sup>3</sup> David Ignatius

رؤسای جمهور آمریکا از سال ۲۰۱۱ به بعد به طُرق گوناگونی سعی در ارسال این پیام به اعراب منطقه داشته‌اند که روی نقش آفرینی مستقیم واشنگتن در مناقشات منطقه‌ای حساب نکنند و برای جبران آن می‌توانند از تل آویو کمک بگیرند. این سیاست کلان آمریکا در بیش از یک دهه گذشته از طریق همه رؤسای جمهور آمریکا دنبال شده است. لذا اعراب منطقه سعی داشته‌اند که به سمت امضای پیمان‌نامه‌های صلح با تل آویو حرکت کنند. توافق‌نامه «ابراهیم» برجسته‌ترین نمونه در این خصوص است. گرچه عربستان سعودی هنوز این توافق‌نامه را امضاء نکرده است و حمله رژیم اسرائیل به باریکه غزه باعث تأخیر آن شده، اما با توجه به اظهارات مقامات آمریکایی از قبیل آنتونی بلینکن به نظر می‌رسد بن سلمان به دنبال گرفتن امتیازهایی از آمریکا در قبال عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل است و واشنگتن نیز عادی‌سازی روابط ریاض با تل آویو را پیش شرط توافق دفاعی با عربستان کرده است. در نهایت اینکه اعراب و رژیم اسرائیل بیش از هر زمان دیگری به یکدیگر نزدیک شده‌اند و یکی از مهم‌ترین عوامل این نزدیکی افزایش رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای برای نظم‌دهی به خاورمیانه پس از رقابت استراتژیک چین و آمریکا و برداشت کاهش حضور واشنگتن در منطقه است. آمریکا نیز برای توجه بیشتر به منطقه پاسیفیک به عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم اسرائیل نیاز دارد، زیرا برنده عدم چرخش اعراب به سمت عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل، ایران خواهد بود و این موضوع امکان درگیر نمودن ایالات متحده در بحران‌های منطقه‌ای را در آینده بیشتر خواهد کرد.

#### ۴-۲-۲- ورود سایر بازیگران و قدرت‌های جهانی به منطقه

پس از کاهش نقش و جایگاه استراتژیک خاورمیانه برای واشنگتن، برخی بازیگران فرامنطقه‌ای مانند روسیه و چین آماده نقش آفرینی بیشتر در منطقه شده‌اند. سایمون تیسدال با بیان این مطلب که آمریکا دیگر بزرگ‌ترین قدرت در خاورمیانه نیست، می‌نویسد: «با کاهش نفوذ واشنگتن، ایران در حال تشکیل ائتلافی با حضور چین و روسیه در خاورمیانه است». در ادامه این مطلب آمده است: «چین و روسیه بهترین دوستان ایران هستند و این موضوع بیش از سایر عوامل باعث شده که ایران به قدرتی بزرگ در منطقه تبدیل شود. تهاجم اوکراین و پیمان همکاری قبلی چین و روسیه «بدون محدودیت»، کاتالیزور این انتقال بود. جنگ و پیامدهای آن این باور را در پکن و مسکو متبلور کرد که رهبری جهانی ایالات متحده، پس از دونالد ترامپ، در حال عقب‌نشینی است و نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانینی که واشنگتن بر آن نظارت دارد، برای براندازی و جایگزینی آماده است (Tisdall, 2024, a).

بر همین اساس، روسیه در سال‌های اخیر به دنبال گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه بوده است. مسکو خصوصاً در بحران سوریه نشان داد که به دنبال گسترش حوزه نفوذ و افزایش نقش و جایگاه منطقه‌ای و بازیگری خود است. پس از حمله به تأسیسات نفتی آرامکو در سپتامبر ۲۰۱۹ خبرگزاری رویترز به قلم لوک بیکر<sup>۱</sup> در مطلبی با عنوان «پس از حملات به عربستان، روسیه حضور منطقه‌ای

<sup>1</sup>. Simon Tisdall

<sup>2</sup>. Luke Baker

خود را محسوس تر می‌کند»؛ می‌نویسد: «کشوری که مسلماً ماهرانه‌ترین حرکت را انجام داده است، روسیه بوده است.» در ادامه این مطلب و با اشاره به تمایل روسیه برای فروش تسلیحات به کشورهای منطقه و سفر پوتین به برخی کشورهای عربی آمده است: «این اقدامات نشان از تمایل پوتین و روسیه برای افزایش تأثیرش در منطقه دارد؛ نقشی که مسکو در حمایت از بشار اسد در سوریه ایفا کرده و با ایران و از سوی دیگر، با اسرائیل کنار آمده، نمونه‌ای از این تأثیرات است» (Baker, 2019).

به همین دلیل بوده است که به محض اینکه عربستان و امارات از عدم اطمینان ناشی از سیاست خاورمیانه‌ای واشنگتن احساس آشفتگی کردند، مسکو سرگنی لاوروف را در مارس ۲۰۲۱ به خلیج فارس فرستاد. لاوروف از عربستان، امارات و قطر بازدید و بر آمادگی کشورش برای پر کردن خلأ خروج تدریجی واشنگتن از خاورمیانه، تأکید کرد. (Rabil, 2022). اوج چرخش روسیه به منطقه را می‌توان در سفر دسامبر ۲۰۲۳ پوتین به ابوظبی و ریاض مشاهده کرد. رئیس‌جمهور روسیه که این سفر را در بجموحه جنگ رژیم اسرائیل علیه باریکه غزه انجام داد، به دنبال ارسال این سیگنال به کشورهای منطقه است که روسیه می‌تواند به‌عنوان قدرتی جهانی جایگزین غرب در منطقه پرآشوب خاورمیانه شود. همچنین بلافاصله پس از این سفر، رئیس‌جمهور ایران به مسکو رفت و با پوتین ملاقات کرد.

کشور دیگری که حضور و نفوذ خود را در منطقه محسوس تر کرده چین است. چین با فرصت‌طلبی و انعقاد قراردادهای نظامی با کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان و امارات به دنبال نقش‌آفرینی بیشتر در منطقه است. هرچند نگاه چین به منطقه بیش از آنکه امنیتی باشد، اقتصادی است و به لحاظ امنیتی هنوز عادت به سواری رایگان دارد و انتظار نمی‌رود که در کوتاه مدت، خود را درگیر معادلات امنیتی منطقه خلیج فارس نماید (محمدنیا و پورحسن، ۱۴۰۲: ۱۰۸)؛ (Mohammadnia & Pourhasan, 2023: 108). این کشور که به‌شدت به نفت و انرژی منطقه وابسته است، سعی دارد تا نفوذ خود را به منطقه گسترش دهد و بتواند با همه قدرت‌های منطقه‌ای از قبیل ایران و عربستان تعامل و ارتباط داشته باشد. ایک فریمن در مطلبی با عنوان «نفوذ بدون آدرگیری در خاورمیانه» می‌نویسد: «پکن در اوج رقابت‌های پیچیده ملی و درگیری‌های فرقه‌ای منطقه در تلاش است تا نفوذ خود را گسترش دهد» (Freymann, 2021). عربستان و سایر اعضای شورای همکاری به‌عنوان نماد چرخش خلیج‌فارس به سمت یک سیاست متمرکزتر بر آسیا، تجارت خود را با منطقه آسیا و اقیانوسیه به‌شدت افزایش داده‌اند؛ انتظار می‌رود این تجارت حدود ۶۰ درصد رشد کند و به ۵۷۸ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۰ می‌رسد. (Yazdanshenas, & Saleh, 2023).

به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۱، تجارت عربستان با چین تنها کسری -فقط یک‌دهم- تجارت ترکیبی این کشور با اتحادیه اروپا و آمریکا بود. در سال ۲۰۱۱، چین برای اولین بار در ارزش تجارت دوجانبه با عربستان از ایالات متحده پیشی گرفت. سپس تا سال ۲۰۱۸، تجارت بین چین و

<sup>1</sup> After Saudi attacks, Russia makes its regional presence felt

<sup>2</sup> Eyck Freymann

عربستان از تجارت این کشور خاورمیانه با کل اتحادیه اروپا پیشی گرفت؛ و در نهایت چین به‌عنوان یک شریک تجاری بزرگ‌تر از بقیه کشورهای غربی با عربستان ظاهر شده است. تقریباً نیمی از تجارت دوجانبه ۸۷٫۳ میلیارد دلاری بین دو کشور در سال ۲۰۲۱ از واردات نفت خام چین تشکیل شده است. در همین حال، عربستان بیش از ۳۰ میلیارد دلار کالا از جمله تجهیزات تکنولوژیکی، تلفن و وسایل روشنایی از چین وارد کرده است (Soltani, 2023). چین در تعاملات خود با منطقه بحران‌زده خاورمیانه محتاطانه عمل کرده است. این کشور با احتیاط از سیاست متوازن عدم نزدیکی زیاد با ایران و حفظ یک رابطه مساوی با کشورهای رقیب منطقه مانند عربستان و امارات پیروی کرده است. دو قدرت روسیه و چین پس از کاهش حضور آمریکا در خاورمیانه، بیش از هر قدرت دیگری به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه هستند. این دو قدرت هر یک به دلایلی سعی در گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه دارند و هر دو کشور سعی می‌کنند تا با همه قدرت‌های منطقه روابط متعادلی برقرار نمایند. چین به دلایل گوناگونی بیش از روسیه به دنبال حضور در منطقه است و توانایی بیشتری برای تأثیرگذاری بر معادلات و تحولات منطقه‌ای دارد. یکن علاوه بر نیاز به انرژی منطقه، به دنبال آن است که به‌مرور بتواند الگوی «عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها» - که از شعارهای اصلی دولت چین است - را به‌عنوان اصلی برای گسترش ارتباط با کشورهای منطقه مورد استفاده قرار دهد.

#### ۴-۳- گسترش منازعه، بی‌نظمی و معمای امنیت در منطقه

سومین بُعد تأثیر رقابت استراتژیک چین و آمریکا بر نظم انتقالی در منطقه خاورمیانه، گسترش منازعه، بی‌نظمی و معمای امنیت و در منطقه است. منازعه و درگیری به ویژگی برجسته منطقه تبدیل شده و منطقه از بی‌نظمی و سرگردانی مفرط و طولانی رنج می‌برد و چشم‌انداز مشخصی برای کاهش تنش‌ها در منطقه وجود ندارد. در ادامه این بُعد مورد بررسی بیشتر قرار خواهد گرفت.

#### ۴-۳-۱- افزایش تنش و درگیری بین رقبای دشمنان منطقه‌ای

رقبای دشمنان منطقه‌ای در طول بیش از یک دهه گذشته دائماً در مسیر افزایش تنش و درگیری قرار داشته‌اند. این تنش و درگیری از یک‌سو بین قدرت‌های منطقه‌ای افزایش یافته و از سوی دیگری گروه‌های فروملی در یک سر تنش و درگیری منطقه‌ای قرار دارند. اگر تا قبل از مارس ۲۰۲۳ رقابت و جنگ سرد بین ایران و عربستان بسیار شدید بود، امروز رژیم اسرائیل در نوک مقابله با قدرت‌یابی منطقه‌ای ایران قرار دارد. سایمون تیسدال در گاردین با اشاره به کاهش موقتی تنش‌ها بین تهران و تل‌آویو بعد از یک درگیری محدود می‌نویسد: «ساده‌انگارانه است اگر تصور شود که ماجرا به همین جا ختم می‌شود. خصومت ذاتی، سیاسی و ایدئولوژیک همچنان دو دشمن را مقابل هم قرار داده است. این حملات متقابل سابقه‌نگران‌کننده‌ای را ایجاد کرده است. تقابل رو در رو بین ایران و اسرائیل در جعبه پاندورا را باز کرده است». در ادامه این مطلب آمده است: «جنگ در سایه چندین ساله بین دو کشور اکنون به منازعه‌ای عیان و آشکار تبدیل شده است. ایران هر زمان ممکن است حمله جدیدی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم انجام دهد و اسرائیل نیز ممکن است تصمیم بگیرد مجدداً به ایران حمله نماید» (Tisdall, 2024, b).

تلاش برای افزایش قدرت و حوزه نفوذ منطقه‌ای مهم‌ترین دلیل افزایش تنش‌ها بین ایران و رژیم اسرائیل است. این رژیم سعی دارد تا قبل از شیفت کامل آمریکا به پاسیفیک و درگیری بیشتر واشنگتن و پکن، آمریکا و ایران را در یک جنگ بزرگ منطقه‌ای درگیر نماید. بنابراین افزایش تنش و درگیری بر سر گسترش حوزه نفوذ ممکن است پای ایالات متحده را ناخواسته به تنش‌های منطقه‌ای باز کند. آمریکا بیش از دو دهه است که مشکلات خاورمیانه را در تقابل بین میانه‌روی اعراب و تندروی ایران می‌بیند. همچنین مقامات ایرانی معتقدند که اگر تل آویو موفق شود تهران را به یک درگیری بزرگ تر بکشاند، دولت بایدن مجبور به مداخله نظامی خواهد شد. علاوه بر این، تشدید خصومت‌ها این احتمال را افزایش می‌دهد که کشورهای عربی بیشتری به اسرائیل پیوندند (Fantappie and Nasr, 2022).

آرون دیوید میلر<sup>۱</sup> در این خصوص می‌نویسد: «اگر در واشنگتن در مورد سیاست خارجی اجماعی وجود داشته باشد، این اجماع در مورد دنبال کردن سیاست‌های سخت علیه چین و ایران است؛ به خصوص که جنگ اسرائیل و حماس (در اکتبر ۲۰۲۳)، ایالات متحده را به احتمال درگیری با تهران بسیار نزدیک کرد» (David Miller, 2023). ژنرال فرانک مک کنزی فرمانده سابق سنتکام در مطلبی با اشاره به ترور سردار سلیمانی می‌نویسد: «ایرانی‌ها قبل از ژانویه ۲۰۲۰ به اراده ما برای پاسخ قاطع به تهران شک داشتند». در ادامه این مطلب آمده است: «حتی قبل از حمله حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر، ایران حملات موشکی و پهپادی به پایگاه‌های آمریکایی در منطقه انجام می‌داد و پاسخ آمریکا به این حملات بدون تمرکز بود؛ بنابراین برای تنظیم مجدد بازدارندگی، باید خشونت را اعمال کنیم که تهران آن را درک کند» (McKenzie, 2024).

در جمع‌بندی می‌توان اظهار داشت که ایران و رژیم اسرائیل به دنبال افزایش سطح بازیگری خود در منطقه هستند و هرگونه تمرکز بیشتر آمریکا برای رقابت استراتژیک با چین، به افزایش بیشتر تنش و درگیری در منطقه خصوصاً بین رقبای دشمنان منطقه‌ای منجر خواهد شد و ایالات متحده را در برزخ چرخش استراتژیک به پاسیفیک برای مقابله با چین و یا دفاع از منافع متحدین منطقه‌ای خود قرار خواهد داد و باعث صعود مارپیچ ناامنی در منطقه خواهد شد.

#### ۴-۳-۲- افزایش رقابت تسلیحاتی و امکان شکل‌گیری رقابت هسته‌ای در منطقه

افزایش خریدهای تسلیحاتی توسط کشورهای منطقه به منظور حفظ موجودیت و مقابله با دشمنان، یکی از مشخصه‌های بارز خاورمیانه پس از رقابت استراتژیک چین و آمریکا است. آمارهای مؤسسه صلح بین‌المللی استکهلم<sup>۲</sup> حکایت از این موضوع دارد که صادرات تسلیحات ایالات متحده بین سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۷ و ۲۰۲۲-۲۰۱۸ به میزان ۱۴ درصد افزایش یافته و ایالات متحده ۴۰ درصد از صادرات تسلیحات جهانی را در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۲۲ به خود اختصاص داده است. همچنین اکثریت عمده واردات تسلیحات به خاورمیانه از ایالات متحده آمریکا (۵۴ درصد)، پس از آن فرانسه (۱۲ درصد)، روسیه (۸٫۶ درصد) و ایتالیا (۸٫۴ درصد) بوده است.

<sup>۱</sup>. Aaron David Miller

<sup>۲</sup>. SIPRI

این تسلیحات در بین سال‌های ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۲ شامل بیش از ۲۶۰ هواپیمای جنگی پیشرفته، ۵۱۶ تانک جدید و ۱۳ ناوچه بودند. کشورهای عربی در منطقه خلیج فارس به تنهایی بیش از ۱۸۰ فروند هواپیمای جنگی دیگر را سفارش داده‌اند (Sipri, 2023a). طبق آمار موسسه صلح استکهلم عربستان سعودی در سال ۲۰۲۱ میلادی ۵۵ میلیارد دلار در بخش دفاعی هزینه کرده که تقریباً ۸ برابر بودجه دفاعی ایران در سال ۱۴۰۱ بوده است (Sipri, 2023b). همچنین در سال ۲۰۲۲، هزینه‌های نظامی عربستان، پنجمین هزینه نظامی بزرگ، ۱۶ درصد افزایش یافت و به ۷۵ میلیارد دلار رسید که اولین افزایش آن از سال ۲۰۱۸ است. عربستان پیش از این در سال ۲۰۲۱ با بودجه نظامی بالغ بر ۴۸ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار در جایگاه هفتم کشورهای جهان قرار داشت. این کشور در سال ۲۰۲۰ با بودجه نظامی حدود ۷۰ میلیارد دلار در جایگاه سوم قرار داشت (Sipri, 2023b).

از سوی دیگر، سه مورد از ۱۰ وارد کننده برتر تسلیحات در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۲ در خاورمیانه بودند: عربستان سعودی، قطر و مصر. عربستان دومین وارد کننده بزرگ تسلیحات در جهان در سال ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۲ بوده و ۹,۶ درصد از کل واردات تسلیحات را در این دوره دریافت کرده است. همچنین هزینه‌های نظامی عربستان طی سال ۲۰۲۲ به میزان ۱۶ درصد افزایش یافته و به حدود ۷۵ میلیارد دلار رسیده است. مجموع هزینه‌های نظامی خاورمیانه در سال ۲۰۲۲ به ۱۸۴ میلیارد دلار رسیده که ۳,۲ درصد نسبت به سال قبل از آن افزایش داشته است. همچنین میزان هزینه‌های نظامی ایران در سال ۲۰۲۲ مبلغ ۶,۸ میلیارد دلار بوده که در رتبه سی و چهارم جهان قرار داشته و در این مدت هزینه نظامی تل‌آویو بیش از ۲۳ میلیارد دلار بوده که در جایگاه پانزدهم جهان قرار داشته است (Sipri, 2023a). فارین افروز در جولای ۲۰۲۲ در مطلبی با قلم ماریا فانتاپیه<sup>۱</sup> و ولی نصر می‌نویسد: «درحالی که اسرائیل در حال حمله است، ایران به دنبال خرید زمان است. با اجتناب از رویارویی مستقیم با اسرائیل، تهران می‌تواند برنامه هسته‌ای خود را تقویت کند، برنامه موشکی و پهپادی خود را تقویت کند و توانایی‌های نظامی خود را در عراق، لبنان، سوریه و یمن گسترش دهد» (Fantappie and Nasr, 2022).

در مقابل تبدیل شدن منطقه به انبار سلاح، ایران نیز برای جبران تنهایی راهبردی و برای ایجاد بازدارندگی در مقابل دشمنان خود به سمت توانمندی هسته‌ای حرکت کرده که باعث افزایش تنش‌های چندلایه در منطقه شده است. استفان والت در این خصوص می‌نویسد: «ترس از «تغییر رژیم» به رهبری ایالات متحده ایران را تشویق کرده تا به دنبال یک توانایی پنهان تسلیحات هسته‌ای باشد که منجر به افزایش مداوم ظرفیت غنی‌سازی و تحریم‌های شدیدتر ایالات متحده و سازمان ملل شده است» (Walt, 2023). والت در خصوص علت گرایش ایران به سمت توانمندی هسته‌ای در فارین پالیسی می‌نویسد: «حمایت‌های بی‌قید و شرط ایالات متحده از اسرائیل در طی دهه‌های گذشته اسرائیل را قادر ساخته تا هر آنچه می‌خواهد انجام دهد و این منجر به اتخاذ سیاست‌ها و رفتارهایی در قبال فلسطینیان شده که در طول زمان به سمت افراطی‌گری میل کرده است.

<sup>۱</sup>. Maria Fantappie

این وضعیت ناخوشایند به ایران اجازه داده تا خود را قهرمان آرمان فلسطین بداند، به دستیابی به سلاح هسته‌ای نزدیک شود و تلاش‌های آمریکا برای منزوی ساختنش را ناکام بگذارد» (Walt, 2024). جوزف نای در این خصوص می‌نویسد: «ایران تأسیساتی را برای غنی‌سازی اورانیوم توسعه داده و به سرعت در حال نزدیک شدن به آستانه تبدیل شدن به دهمین دولت برخوردار از تسلیحات هسته‌ای است. بسیاری از ناظران نگران‌اند که اگر ایران به چین آستانه‌ای برسد، به مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای در منطقه شتاب خواهد بخشید و عربستان نیز به سرعت همین مسیر را طی خواهد کرد» (Ney, 2024). افزایش رقابت تسلیحاتی و خریدهای کلان نظامی و حرکت به سمت توانمندی‌های هسته‌ای یکی از مهم‌ترین پیامدهای رقابت استراتژیک چین و آمریکا است. در دوران گذار منطقه‌ای و بی‌نظمی و سرگردانی طولانی مدت در خاورمیانه، قدرت‌های منطقه‌ای با افزایش خریدهای تسلیحاتی و حرکت به سمت توانمندی‌های هسته‌ای سعی در ایجاد موازنه وحشت‌آرد مقابل یکدیگر را دارند و بر همین اساس است که خاورمیانه به انباری از باروت تبدیل شده که ممکن است با وقوع هر حادثه‌ای جنگی گسترده در منطقه شکل بگیرد.

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به بررسی تأثیر رقابت استراتژیک چین و آمریکا به‌عنوان متغیر مستقل بر نظم انتقالی در خاورمیانه به‌عنوان متغیر تابع پرداخته است. این تأثیر در سه لایه «سردرگمی و رقابت استراتژیک»، «گسترش ائتلاف‌سازی» و «افزایش منازعه و گسترش معمای امنیت»، شاخص‌سازی شده است. نتیجه‌گیری مقاله بیان می‌دارد که افزایش سردرگمی و رقابت استراتژیک، موجب فعال شدن پویایی‌های تنش‌زا، گسترش معمای امنیت، موازنه‌سازی‌های پیچیده و طولانی شدن دوران گذار منطقه‌ای شده و رقابت قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای را افزایش داده است؛ به‌گونه‌ای که بی‌نظمی و سردرگمی استراتژیک چندلایه در منطقه شکل گرفته و روابط قدرت‌های منطقه‌ای با یکدیگر و با قدرت‌های جهانی دچار تحولات جدی‌ای شده است. همچنین به علت درک واقعی و یا خیالی قدرت‌های منطقه‌ای از کاهش حضور آمریکا در منطقه، رویارویی گسترده و با سردرگمی و سرگردانی فزاینده بر روابط قدرت‌ها در منطقه حاکم شده است. از سوی دیگر این تقابل استراتژیک باعث گردیده رقابت تسلیحاتی به‌مشخصه بارز منطقه تبدیل شود و معمای امنیت همچنان بر روابط کشورهای منطقه حاکم باشد و قدرت‌های منطقه‌ای برای موازنه‌سازی رقبا افزایش رقابت تسلیحاتی و چرخش به سمت برخی دیگر از قدرت‌های بزرگ جهانی را در دستور کار قرار دهند. دیگر بازیگران بزرگ جهانی نیز به دنبال پُر کردن خلأ قدرت به وجود آمده در منطقه هستند و با افزایش حضور خود بر معمای امنیت منطقه‌ای افزوده‌اند.

همچنین اعراب منطقه که مدتی طولانی زیر چتر امنیتی آمریکا قرار داشته‌اند، سعی در تنوع‌بخشی به حافظان امنیت خود دارند و به‌منظور ایجاد موازنه در مقابل ایران، به سمت اتحاد و

<sup>1</sup>. Joseph S. Nye

<sup>2</sup>. Balance of Horror

ائتلاف‌سازی بیشتر با تل آویو حرکت کرده و در مواردی نیز خود به بازیگر اصلی در منطقه تبدیل شده‌اند. در نهایت تقابل استراتژیک چین و آمریکا باعث سردرگمی استراتژیک در بین بازیگران بزرگ منطقه برای مواجهه با این رقابت شده و تنش‌ها را در مقطعی بین ایران و آمریکا از یک سو و بین تهران و برخی پایتخت‌های عربی-عبری برای هژمون منطقه‌ای شدن از سوی دیگر افزایش داده است. بنابراین کاهش تنش‌های موقتی، در بلندمدت معمای امنیتی منطقه را حل و فصل نهایی نخواهد کرد؛ بلکه رقبا با خرید زمان و با اهداف گوناگون سعی در گسترش ائتلاف‌سازی، گسترش حوزه نفوذ و حاکم نمودن نظم دلخواه خویش بر منطقه را دارند.

### منابع فارسی

۱. اسمیت، استیو. هدفیلد، امیلیا. دان، تیم. (۱۳۹۵). سیاست خارجی نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی، جلد دوم، مترجمین: امیرمحمد حاجی یوسفی، محسن محمودی و ایوب کریمی، تهران: انتشارات سمت.
۲. جمشیدی، م. یزدانشناس، ز. (۱۴۰۱). دیپلماسی اقتصادی و راهبرد چین در تنظیم روابط با ایران و عربستان سعودی، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۱۲ شماره ویژه، ۱۴۰۱، ۱۲۶-۱۱۲.
۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۳). نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی، تهران: نشر مخاطب.
۴. شرفخانی، م. حاجی‌مینه، ر. دهشیری، م. (۱۴۰۱). راهبرد اقتصادی چین در رقابت هژمونیک با آمریکا در خاورمیانه، فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۱. شماره ۴۰. بهار ۱۴۰۱. ۱۰۶-۷۱.
۵. لیتل، ریچارد. (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های موازنه قوا، ترجمه: غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۶. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت؛
۷. محمدنیا، م. پورحسن، ن. (۱۴۰۲)، خروج نظامی ایالات متحده از افغانستان و چرخش به شرق آسیا؛ گذار به هژمونی اجباری، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال ۲۰، شماره ۱ (۷۷)، تابستان ۱۴۰۲. ۱۲۴-۱۰۱.

### English References

1. Baker, L. (2019). After Saudi attacks, Russia makes its regional presence felt, *Reuters*, Sep. 30, at: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-russia-geopolitics-analysis-idUSKBN1WF15K>.
2. Carlstrom, G. (2024). The Power Vacuum in the Middle East A Region Where No One's in Charge, *Foreignaffairs*. Mar. 6, At: <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/power-vacuum-middle-east>.

3. Carnelos, M. (2024). Dark clouds are gathering over the Red Sea for 2024, *Middleeasteye*, Jan. 03. At: <https://www.middleeasteye.net/opinion/dark-clouds-gathering-over-red-sea-2024>.
4. Carnelos, M. (2023). Saudi-Iran pact: China's diplomatic coup puts US on notice in Middle East, *Middleeasteye*. Mar. 17, at: <https://www.middleeasteye.net/opinion/china-saudi-iran-reconciliation-middle-east-diplomatic-coup>.
5. Carnelos, M. (2021). How will US disengagement shape the Middle East?, *Middleeasteye*. Jun. 24, at: <https://www.middleeasteye.net/opinion/us-middle-east-disengagement-shape-how>.
6. Cook, Steven A. (2022). Russia Still Has Willing Partners in the Middle East, *Foreignpolicy*, Jul. 20, at: <https://foreignpolicy.com/2022/07/20/putin-meeting-iran-turkey-russia-middle-east-syria-ukraine>.
7. Dassa Kaye, D. and Vakil, S. (2024). Is an Anti-Iran Alliance Emerging in the Middle East?, *Foreignaffairs*. Apr. 26, At: <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/anti-iran-alliance-emerging-middle-east>.
8. David Miller, A. (2023). Biden Owns the Israel-Palestine Conflict Now, *Foreignpolicy*, Nov. 14, at: <https://foreignpolicy.com/2023/11/14/biden-support-israel-hamas-war-gaza-palestine-conflict-diplomacy-future-commitment>.
9. Dehghani Firoozabadi, J. & Zare Ashkezari, M. (2016). Neoclassical Realism in International Relations, *Aisan Societal Science*, Vol.12, No. 6.
10. Diao, H. (2024). The Impact of the China-US Competition in East Asia on the Security of the Asia-Pacific Region. *Proceedings of the 2nd International Conference on Social Psychology and Humanity Studies*. The University of Melbourne, VIC 3053, Australia At: [https://www.researchgate.net/publication/378963673\\_The\\_Impact\\_of\\_the\\_China-US\\_Competition\\_in\\_East\\_Asia\\_on\\_the\\_Security\\_of\\_the\\_Asia-Pacific\\_Region](https://www.researchgate.net/publication/378963673_The_Impact_of_the_China-US_Competition_in_East_Asia_on_the_Security_of_the_Asia-Pacific_Region).
11. Fantappie, M. and Nasr, V. (2022). What America Should Do If the Iran Nuclear Deal Talks Fail Outsourcing Middle East Security to Israel Is a Bad Plan B. *Foreignaffairs*. Jul. 01, at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/israel/2022-07-01/what-america-should-do-if-iran-nuclear-deal-talks-fail>.
12. Friedman, T. (2021), "Biden and Mother Nature Have Reshaped the Middle East, *Nytimes*, Oct. 26, at: <https://www.nytimes.com/2021/10/26/opinion/middle-east-climate-change.html>.
13. Freymann, E. (2021). Influence Without Entanglement in the Middle East, *Foreignpolicy*, Feb. 25, at: <https://foreignpolicy.com/2021/02/25/influence-without-entanglement-in-the-middle-east>.

14. Harrison, R. (2021). *Cooperation: The Gordian Knot, "Stepping A Way From The Abyss: A Gradual Approach Towards a New Security System in the Persian Gulf"*, Edited by: Luigi Narbone & Abdolrasool Divsallar, European University Institute (EUI).
15. Indyk, M. (2019). Disaster in the Desert Why Trump's Middle East Plan Can't Work, *Foreignaffairs*, Nov/Dec, at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2019-10-15/disaster-desert>.
16. McKenzie Jr, F. (2024). Lesson of the Strike That Killed Soleimani, *WSJ*. Jan. 04, At: [https://www.wsj.com/articles/lesson-of-the-soleimani-strike-quds-iran-deterrence-war-gaza-attacks-on-americans-5c9bbfa1?mod=opinion\\_lead\\_pos5](https://www.wsj.com/articles/lesson-of-the-soleimani-strike-quds-iran-deterrence-war-gaza-attacks-on-americans-5c9bbfa1?mod=opinion_lead_pos5).
17. Nasr, V. (2022). All Against All, The Sectarian Resurgence in the Post-American Middle East, Jan/Feb, At: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2021-12-02/iran-middle-east-all-against-all>.
18. Nasr, V. (2021). The Middle East's Next Conflicts Won't Be Between Arab States and Iran, *Foreignpolicy*, Mar. 02, at: <https://foreignpolicy.com/2021/03/02/the-middle-east-s-next-conflicts-wont-be-between-arab-states-and-iran>.
19. Nye, J. (2024). Is Nuclear Proliferation Back?, Project Syndicate, Mar. 05, at: <https://www.project-syndicate.org/commentary/nuclear-proliferation-risk-rising-ahead-of-2026-npt-review-conference-by-joseph-s-nye-2024-03>
20. Rabil, Robert G. (2022). Mohammed bin Salman Has Forged a Third Way for the Arab World, *Nationalinterest*, Jul. 19, at: <https://nationalinterest.org/feature/mohammed-bin-salman-has-forged-third-way-arab-world-203668>.
21. SIPRI. (2023a). Surge in arms imports to Europe, while US dominance of the global arms trade increases, *SIPRI*, Mar. 13, At: <https://sipri.org/media/press-release/2023/surge-arms-imports-europe-while-us-dominance-global-arms-trade-increases>.
22. SIPRI. (2023b). World military expenditure reaches new record high as European spending surges, *SIPRI*, Apr. 24, at: <https://www.sipri.org/media/press-release/2023/world-military-expenditure-reaches-new-record-high-european-spending-surges>.
23. Tisdall, S. (2024a). The US isn't the biggest power in the Middle East any more. Iran is. *Theguardian*. Jan. 13, At: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2024/jan/13/iran-is-thwith-china-and-russia-behind-it-iran-is-the-big-kid-on-the-block>.
24. Tisdall, S. (2024b). In breaking their fragile truce, Israel and Iran have opened a Pandora's box, *Theguardian*. Apr. 20, At:

- <https://www.theguardian.com/commentisfree/2024/apr/20/in-breaking-their-fragile-truce-israel-and-iran-have-opened-a-pandoras-box>.
25. Snyder, Glenn H. (1997). The Security Dilemma in Alliance Politics, *World Politics*, Vol. 36, No. 4. P.P 461-495.
  26. Soltani, E. (2023). How China Became Saudi Arabia's Largest Trading Partner, *Visualcapitalist*, Feb. 19, at: <https://www.visualcapitalist.com/cp/how-china-became-saudi-arabias-largest-trading-partner>.
  27. Ulrichsen, Kristian C. (2020). REBALANCING REGIONAL SECURITY IN THE PERSIAN GULF, *Center For The Middle East Rice University's Baker Institute For Public Policy*, At: <https://doi.org/10.25613/n8xe-hj20>.
  28. Walt, Stephen M. (2024). America Fueled the Fire in the Middle East. *Foreignpolicy*, Apr. 15, At: <https://foreignpolicy.com/2024/04/15/middle-east-war-crisis-biden-america-iran-israel>.
  29. Walt, Stephen M. (2023). America Is a Root Cause of Israel and Palestine's Latest War, *Foreignpolicy*, Oct. 18, at: <https://foreignpolicy.com/2023/10/18/america-root-cause-war-israel-gaza-palestine>.
  30. Yazdanshenas, Z. Saleh, A. (2023). Iranian-Saudi detente and "Asianization" of the Persian Gulf: China fills the gap, *Middle east Institute*, Apr. 05, at: <https://www.mei.edu/publications/iranian-saudi-detente-and-asianization-persian-gulf-china-fills-gap>.
  31. Yossef, A. (2020). *Gulfization of the Middle East Security Complex: The Arab Spring's Systemic Change*, The Regional Order in the Gulf Region and the Middle East Regional Rivalries and Security Alliances, Edited by Philipp O. Amour.
  32. Vakil, S. Quilliam, N. (2021). Steps to enable Middle East regional security process, *Chathamhouse*, Apr, at: <https://www.chathamhouse.org/2021/04/steps-enable-middle-east-regional-security-process>.

### Translated References to English

1. Baker, L. (2019). After Saudi attacks, Russia makes its regional presence felt, *Reuters*, Sep. 30, at: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-russia-geopolitics-analysis-idUSKBN1WF15K>.
2. Carlstrom, G. (2024). The Power Vacuum in the Middle East A Region Where No One's in Charge, *Foreignaffairs*. Mar. 6, At: <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/power-vacuum-middle-east>.
3. Carnelos, M. (2024). Dark clouds are gathering over the Red Sea for 2024,

- Middleeasteye*, Jan. 03. At: <https://www.middleeasteye.net/opinion/dark-clouds-gathering-over-red-sea-2024>.
4. Carnelos, M. (2023). Saudi-Iran pact: China's diplomatic coup puts US on notice in Middle East, *Middleeasteye*. Mar. 17, at: <https://www.middleeasteye.net/opinion/china-saudi-iran-reconciliation-middle-east-diplomatic-coup>.
  5. Carnelos, M. (2021). How will US disengagement shape the Middle East?, *Middleeasteye*. Jun. 24, at: <https://www.middleeasteye.net/opinion/us-middle-east-disengagement-shape-how>.
  6. Cook, Steven A. (2022). Russia Still Has Willing Partners in the Middle East, *Foreignpolicy*, Jul. 20, at: <https://foreignpolicy.com/2022/07/20/putin-meeting-iran-turkey-russia-middle-east-syria-ukraine>.
  7. Dassa Kaye, D. and Vakil, S. (2024). Is an Anti-Iran Alliance Emerging in the Middle East?, *Foreignaffairs*. Apr. 26, At: <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/anti-iran-alliance-emerging-middle-east>.
  8. David Miller, A. (2023). Biden Owns the Israel-Palestine Conflict Now, *Foreignpolicy*, Nov. 14, at: <https://foreignpolicy.com/2023/11/14/biden-support-israel-hamas-war-gaza-palestine-conflict-diplomacy-future-commitment>.
  9. Dehghani Firoozabadi, J. & Zare Ashkezari, M. (2016). Neoclassical Realism in International Relations, *Aisan Societal Science*, Vol.12, No. 6.
  10. Dehghani Firoozabadi, J. (2014). *Theories of Regional Integration and International Regimes*. Tehran, Mokhtab Publication. **(In Persian)**
  11. Diao, H. (2024). The Impact of the China-US Competition in East Asia on the Security of the Asia-Pacific Region. *Proceedings of the 2nd International Conference on Social Psychology and Humanity Studies*. The University of Melbourne, VIC 3053, Australia, at: [https://www.researchgate.net/publication/378963673\\_The\\_Impact\\_of\\_the\\_China-US\\_Competition\\_in\\_East\\_Asia\\_on\\_the\\_Security\\_of\\_the\\_Asia-Pacific\\_Region](https://www.researchgate.net/publication/378963673_The_Impact_of_the_China-US_Competition_in_East_Asia_on_the_Security_of_the_Asia-Pacific_Region).
  12. Fantappie, M. and Nasr, V. (2022). What America Should Do If the Iran Nuclear Deal Talks Fail Outsourcing Middle East Security to Israel Is a Bad Plan B. *Foreignaffairs*. Jul. 01, at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/israel/2022-07-01/what-america-should-do-if-iran-nuclear-deal-talks-fail>.
  13. Friedman, T. (2021), "Biden and Mother Nature Have Reshaped the Middle East, *Nytimes*, Oct. 26, at: <https://www.nytimes.com/2021/10/26/opinion/middle-east-climate-change.html>.
  14. Freymann, E. (2021). Influence Without Entanglement in the Middle East,

- Foreignpolicy*, Feb. 25, at: <https://foreignpolicy.com/2021/02/25/influence-without-entanglement-in-the-middle-east>.
15. Harrison, R. (2021). *Cooperation: The Gordian Knot*, "Stepping A Way From The Abyss: A Gradual Approach Towards a New Security System in the Persian Gulf", Edited by: Luigi Narbone & Abdolrasool Divsallar, European University Institute (EUI).
  16. Indyk, M. (2019). Disaster in the Desert Why Trump's Middle East Plan Can't Work, *Foreignaffairs*, Nov/Dec, at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2019-10-15/disaster-desert>.
  17. JAmshidi, M. Yazdanshenas, Z. (2022). Economic Diplomacy And China's Strategy In Regulating Relations With Iran and Saudi Arabia, *Quarterly Journal of Strategic Studies of Public Policy*, Vol, 12. Special No. 1401. P.P: 112- 126. **(In Persian)**
  18. Little, R. (2010). *The Balance of Power in International Relations*. Translated by: Chegnizadeh, Gh. Tehran, International Studies & Research Institute. **(In Persian)**
  19. McKenzie Jr, F. (2024). Lesson of the Strike That Killed Soleimani, *WSJ*. Jan. 04, At: [https://www.wsj.com/articles/lesson-of-the-soleimani-strike-quds-iran-deterrence-war-gaza-attacks-on-americans-5c9bbfa1?mod=opinion\\_lead\\_pos5](https://www.wsj.com/articles/lesson-of-the-soleimani-strike-quds-iran-deterrence-war-gaza-attacks-on-americans-5c9bbfa1?mod=opinion_lead_pos5).
  20. Mohammad Nia, M. Pourhasan, N. (2023). U.S. Military Withdrawal from Afghanistan and turning to East Asia; Transition to Coercive Hegemony, *International Studies Journal (ISJ)*, Vol. 20, No. 1 (77), Summer 2023. **(In Persian)**
  21. Moshirzadeh, H. (2015). *Development in International Relations Theories*. Tehran, Samt Publication. **(In Persian)**
  22. Nasr, V. (2022). All Against All, The Sectarian Resurgence in the Post-American Middle East, Jan/Feb, At: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2021-12-02/iran-middle-east-all-against-all>.
  23. Nasr, V. (2021). The Middle East's Next Conflicts Won't Be Between Arab States and Iran, *Foreignpolicy*, Mar. 02, at: <https://foreignpolicy.com/2021/03/02/the-middle-east-s-next-conflicts-wont-be-between-arab-states-and-iran>.
  24. Nye, J. (2024). Is Nuclear Proliferation Back?, Project Syndicate, Mar. 05, at: <https://www.project-syndicate.org/commentary/nuclear-proliferation-risk-rising-ahead-of-2026-npt-review-conference-by-joseph-s-nye-2024-03>
  25. Rabil, Robert G. (2022). Mohammed bin Salman Has Forged a Third Way for the Arab World, *Nationalinterest*, Jul. 19, at: <https://nationalinterest.org/feature/mohammed-bin-salman-has-forged-third-way-arab-world-203668>.
  26. Sharafkhani, M. Hajimine, R. Dehshiri, M. (2022). China's Economic Strategy in Hegemonic Competition with the United States in the Middle East. *Quarterly of Political*

- Strategic Studies*, Spring 2022, 40 (11), 71- 106. **(In Persian)**
27. Smith, S. Hadfield, A. Dunne, T. (2016). *Foreign Policy Theories, Actors and Cases*. (Vol. II). Translated by: Hajiyousefi, A. Mahmodi, M. Karimi, A. Tehran, Samt Publication. **(In Persian)**
  28. SIPRI. (2023a). Surge in arms imports to Europe, while US dominance of the global arms trade increases, *SIPRI*, Mar. 13, At: <https://sipri.org/media/press-release/2023/surge-arms-imports-europe-while-us-dominance-global-arms-trade-increases>.
  29. SIPRI. (2023b). World military expenditure reaches new record high as European spending surges, *SIPRI*, Apr. 24, at: <https://www.sipri.org/media/press-release/2023/world-military-expenditure-reaches-new-record-high-european-spending-surges>.
  30. Tisdall, S. (2024a). The US isn't the biggest power in the Middle East any more. Iran is. *The Guardian*. Jan. 13, At: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2024/jan/13/iran-is-thwith-china-and-russia-behind-it-iran-is-the-big-kid-on-the-block>.
  31. Tisdall, S. (2024b). In breaking their fragile truce, Israel and Iran have opened a Pandora's box, *The Guardian*. Apr. 20, At: <https://www.theguardian.com/commentisfree/2024/apr/20/in-breaking-their-fragile-truce-israel-and-iran-have-opened-a-pandoras-box>.
  32. Snyder, Glenn H. (1997). The Security Dilemma in Alliance Politics, *World Politics*. Vol. 36, No. 4.
  33. Soltani, E. (2023). How China Became Saudi Arabia's Largest Trading Partner, *Visualcapitalist*, Feb. 19, at: <https://www.visualcapitalist.com/cp/how-china-became-saudi-arabias-largest-trading-partner>.
  34. Ulrichsen, Kristian C. (2020). REBALANCING REGIONAL SECURITY IN THE PERSIAN GULF, *Center For The Middle East Rice University's Baker Institute For Public Policy*, At: <https://doi.org/10.25613/n8xe-hj20>.
  35. Walt, Stephen M. (2024). America Fueled the Fire in the Middle East. *Foreignpolicy*. Apr. 15, At: <https://foreignpolicy.com/2024/04/15/middle-east-war-crisis-biden-america-iran-israel>.
  36. Walt, Stephen M. (2023). America Is a Root Cause of Israel and Palestine's Latest War, *Foreignpolicy*, Oct. 18, at: <https://foreignpolicy.com/2023/10/18/america-root-cause-war-israel-gaza-palestine>.

37. Yazdanshenas, Z. Saleh, A. (2023). Iranian-Saudi detente and "Asianization" of the Persian Gulf: China fills the gap, *Middle east Institute*, Apr. 05, at: <https://www.mei.edu/publications/iranian-saudi-detente-and-asianization-persian-gulf-china-fills-gap>.
38. Yossef, A. (2020). *Gulfization of the Middle East Security Complex: The Arab Spring's Systemic Change*, The Regional Order in the Gulf Region and the Middle East Regional Rivalries and Security Alliances, Edited by Philipp O. Amour.
39. 39. Vakil, S. Quilliam, N. (2021). Steps to enable Middle East regional security process, Chathamhouse, Apr, at: <https://www.chathamhouse.org/2021/04/steps-enable-middle-east-regional-security-process>

